

فصلنامه سیاست دفاعی، سال یازدهم

شماره ۴۲، بهار ۱۳۸۲

ژئواکونومی خط لوله گاز ایران به جنوب آسیا و پیامدهای امنیتی آن

تاریخ دریافت مقاله :	۱۲/۴/۴	نوذر شفیعی
تاریخ تأیید مقاله :	۱۲/۵/۶	دکترای روابط بین‌الملل و
صفحات مقاله :	۶۵-۹۰	عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز

چکیده

در این مقاله، نویسنده درصدد است، با عنایت به تحول در مفهوم امنیت، نشان دهد که نیاز به انرژی در جنوب آسیا یک مسئله حیاتی است و خط لوله گاز ایران به جنوب آسیا، نه تنها از اهمیت زیادی در رفع این نیازها برخوردار است، بلکه میزان تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران را در جنوب آسیا افزایش خواهد داد. نگارنده معتقد است با کشیده شدن خط لوله گاز ایران به جنوب آسیا، چهار مسئله مهم امنیتی حل، و یا از میزان تشنج‌زایی آنها در حد بالایی کاسته خواهد شد. این چهار مسئله عبارت‌اند از: اختلاف هند و پاکستان بر سر کشمیر، اختلاف ایران و پاکستان درباره افغانستان، فرقه‌گرایی در پاکستان، و اختلاف مسلمانان و هندوها در هندوستان. علاوه بر این، نگارنده بر این باور است که در مجموع، خط لوله گاز ایران به جنوب آسیا فرصتهایی استثنایی را برای ارتقای موقعیت استراتژیک ایران فراهم خواهد کرد.



واژگان کلیدی

ژئواکونومی، ایران - پاکستان، ایران - هند، ایران - جنوب آسیا، خط لوله گاز، انرژی

مقدمه

جنوب آسیا منطقه‌ای است که هفت کشور را شامل می‌شود: هند، پاکستان، بنگلادش، سری‌لانکا، نپال، بوتان و مالدیو. این منطقه نزدیک به ۱/۵ میلیارد نفر را در

خود جا داده است که به لحاظ شاخصهای توسعه انسانی، یکی از عقب مانده ترین مناطق جهان است؛ دو قدرت نوظهور هسته ای یعنی هند و پاکستان در این منطقه واقع شده اند؛ یکی از کانونهای اصلی بنیادگرایی (اعم از اسلامی و هندو) است؛ و بالاخره یکی از قدیمی ترین بحرانهای منطقه ای یعنی کشمیر در این منطقه قرار دارد. به نظر می رسد ریشه بسیاری از نابسامانی های جنوب آسیا به اختلاف هند و پاکستان بر سر کشمیر مربوط می شود. بحران کشمیر نه تنها فرصتهای توسعه ای بسیاری را از مردم شبه قاره هند سلب کرده است، بلکه مانع از همکاری بین منطقه ای مؤثری در جنوب و جنوب غرب آسیا شده است. یکی از جلوه های بارز این فرصت سوزی ها، معطل ماندن خط لوله گازی است که مدتهاست (از سال ۱۹۸۸ به بعد) قرار است از ایران به جنوب آسیا کشیده شود. قصد نداریم درباره خصایص و ویژگیهای این خط لوله و موانع و مشکلات موجود در مسیر آن وارد جزئیات شویم. سعی بر آن است تا با مفروض انگاشتن احداث خط لوله گاز ایران به جنوب آسیا، پیامدهای مثبت امنیتی آن را در منطقه شبه قاره هند و بین منطقه شبه قاره هند و ایران مورد ارزیابی قرار دهیم. مفروضاتی که این مقاله بر پایه آن بنیاد نهاده شده است، عبارت اند از:

- ایران و پاکستان به رغم تحولات جدید در افغانستان، بر سر افغانستان اختلاف دارند.
- ایران و پاکستان از طریق جماعت اهل تشیع و اهل تسنن در رقابت نیابتی علیه یکدیگر بسر می برند.
- بحران کشمیر به عنوان ام المسائل هند و پاکستان بر روابط دو کشور سایه افکنده است.
- تعارض شدیدی بین مسلمانان هند و هندوها وجود دارد که بارزترین آن مسئله مسجد بامبری است.
- بُعد نظامی امنیت به عنوان اولین مؤلفه شکل دهنده امنیت ملی (در دیدگاه سنتی) اهمیت خود را از دست داده و ابعاد غیرنظامی امنیت ملی از قبیل فرهنگ، اقتصاد، سیاست و محیط زیست جایگزین آن شده است.
- جایگاه هر کشوری بر روی صفحه شطرنج جهانی در مقام نخست به امنیت اقتصادی آن بستگی دارد و به همین خاطر کشورهای فقیر و یا ضعیف در هر

صورت با مشکل امنیتی مواجه‌اند.

- جهانی شدن، باعث شکل‌گیری چنان وضعیتی در بازار جهانی شده‌است که بسیاری از اقتصادهای ضعیف و ناتوان، تحمل سیاستها، فرایندها و نتایج ناشی از آن را نداشته و در نهایت در گرداب بی‌ثباتی و ناامنی گرفتار خواهند آمد.

.... -

با توجه به این مفروضات، سؤال این است که احداث خط لوله‌ گاز ایران به جنوب آسیا چه پیامدهای امنیتی مثبتی می‌تواند برای ایران و منطقه‌ جنوب آسیا به‌ویژه دو کشور هند و پاکستان به همراه داشته باشد؟ پاسخی که در قالب یک فرضیه می‌توان به این پرسش داد آن است که احداث خط لوله‌ گاز طبیعی ایران به جنوب آسیا باعث تلطیف محیط متصلب امنیتی در جنوب آسیا خواهد شد و این مهم خود می‌تواند زمینه‌ساز حل بسیاری از بحرانهای دیرپا در منطقه باشد. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد تداوم و تطویل منازعه بین هند و پاکستان باعث شده‌است دو کشور بسیاری از فرصتها را برای توسعه و پیشرفت از دست بدهند. عقب‌ماندگی‌ای که جلوه‌های آن در قالب کاهش شاخصهای توسعه‌ انسانی در جنوب آسیا نمود یافته‌است زمینه را برای گذار از امنیت هسته‌ای به امنیت انسانی در جنوب آسیا فراهم ساخته است. امنیت هسته‌ای، امنیتی است که در پرتو سلاحهای هسته‌ای حاصل می‌شود. امنیت انسانی امنیتی است که از طریق رفع تهدیدات و دغدغه‌های کهن همچون: گرسنگی، بیماری، افسردگی، حوادث غیرمترقبه و... حاصل می‌شود. بدون تردید احداث خط لوله‌ گاز طبیعی ایران به جنوب آسیا در گذار دولتهای هند و پاکستان از امنیت هسته‌ای به امنیت انسانی نقش مهمی ایفا خواهد کرد.

بخش اول: چارچوب تحلیلی

در باره مفهوم امنیت و تحول مفهومی آن، آن‌قدر بحث شده‌است که گشودن باب دیگری در این مورد غیرضروری به نظر می‌رسد. رویکردهای امنیتی عمدتاً به دو دسته تقسیم می‌شوند. رویکرد اول عبارت است از رویکرد سنتی. در این رویکرد تأکید بر بُعد نظامی امنیت است. این رویکرد منشأ تهدید را خوی تجاوزگری دولتها، و ابزار تهدید را قدرت نظامی می‌داند. تلاش برای بالابردن توان نظامی برای مقابله با دشمنان، راهبردی

است که در رویکردهای سنتی امنیت به وفور یافت می‌شود. در رویکرد سنتی به زمامداران توصیه می‌شود برای افزایش ضریب امنیتی قلمروشان، در تجهیز و تقویت سازو برگ و توان جنگی کوشا باشند (آردی مک‌کین لای - آر. لیتل؛ ۱۳۸۰).

با توجه به این که امنیت پدیده‌ای چند بُعدی است و نه تک بُعدی، رویکرد سنتی نمی‌توانست تفسیر کاملی از امنیت، عوامل تهدیدکننده آن و نیز عوامل استقرار آن ارائه دهد. به همین دلیل، در پی نقد جدی آثار سنت‌گرایان و طرح این ادعا که بُعد نظامی توان تحلیل همه‌جانبه مسائل امنیتی جهان معاصر را ندارد، تحولی تازه در مطالعات امنیتی به وجود آمد که باور اصلی آن را "تعدد ابعاد امنیتی" شکل می‌دهد (همان). در رویکردهای جدید که رویکردهای فراستنی نیز خوانده می‌شوند، تهدیدات صرفاً از دولتها نشأت نمی‌گیرند و ابزار تهدید نیز صرفاً نظامی نیست. اگر در رویکردهای سنتی، تأمین امنیت ملی از طریق اقدام به جنگ و تجهیز نظامی هر چه بیشتر واحدهای سیاسی امکان‌پذیر بود، در رویکردهای جدید استراتژی صلح‌آمیز به عنوان راهبرد عملی تحصیل امنیت ملی مطرح است (Roger; 1982).

رویکردهای جدید حتی پا را از این هم فراتر گذاشته و از "امنیت مشترک" سخن رانده‌اند. امنیت مشترک برآیند رویکرد ایده‌آلیستی (صلح محور) و رویکرد رئالیستی (قدرت محور) است. در امنیت مشترک به جای تعیین اولویتهای امنیت ملی برای کشورها، بیشتر بر وابستگی متقابل امنیتی تأکید می‌شود (Buzan; 1983). تصور بر این است که تهدیدات نظامی از جمله تهدید سلاحهای هسته‌ای هم‌چنان وجود دارد اما آنچه در حال حاضر به شکل گسترده‌ای امنیت کشورها را تحت الشعاع قرار داده‌است عبارت‌اند از بی‌کاری، بی‌سوادی، قاچاق مواد مخدر و ... (UNESCO Courier; 1994). در شبه‌قاره هند، رقابت نظامی هند و پاکستان شاخصهای توسعه انسانی را چنان در این منطقه کاهش داده‌است که بیش از سلاحهای هسته‌ای تهدیدآمیز به نظر می‌رسد (نگاه کنید به جداول ضمیمه). در حقیقت دولتهای هند و پاکستان بر سر یک "دوراهی جان‌گیر" قرار گرفته‌اند. از یک سو، براساس رویکرد سنتی امنیت، هم‌چنان به تجهیز و تسلیح خود مبادرت می‌ورزند و چنین می‌پندارند که تقویت توان نظامی، تأمین‌کننده

اصلی امنیت ملی آنهاست. از سوی دیگر، با تخصیص توجه به بخش نظامی، حوزه اقتصاد را مورد بی‌توجهی قرار داده‌اند و این امر سبب شده‌است تا مؤلفه‌های غیرنظامی امنیت، به تهدیدی برای این کشورها مبدل شود. توجه بیش از حد اتحاد شوروی سابق به بُعد نظامی و در نتیجه ناتوانی دولت به پاسخ‌گویی مناسب به خواسته‌های اقتصادی مردم، نقطه شروع سناریوی فروپاشی اتحاد شوروی بود (Kolodziej; 1992). آیا هند و پاکستان در همان مسیر قرار گرفته‌اند؟ توافق بر سر انتقال خط لوله‌ گاز ایران به جنوب آسیا معیار خوبی است که براساس آن قضاوت کنیم، کدام یک از رویکردهای امنیتی بر این منطقه حکمفرماست. اگر هند و پاکستان موافقت کنند خط لوله‌ گاز ایران از راه زمینی (از ایران به پاکستان و از پاکستان به هند) کشیده شود، این امر بیانگر آن است که تهدیدهای غیرامنیتی پارادایم مسلط در جنوب آسیا است، اما اگر گزینه‌های دیگری برای انتقال گاز ایران به جنوب آسیا در نظر گرفته شود، نشان می‌دهد که رویکردهای سنتی امنیت وجه غالب در دیدگاه نخبگان سیاسی هند و پاکستان می‌باشد.

بخش دوم: ابعاد اقتصادی خط لوله : خط لوله تجارت

امنیت انرژی آسیا که تأثیر مهمی بر اقتصاد، جامعه و امنیت ملی همه کشورهای منطقه می‌گذارد، مسئله مشترک و مهمی است که تمامی کشورهای آسیایی در قرن بیست و یکم با آن مواجه هستند. انرژی مدت زیادی نیست که به یک مسئله امنیت ملی در جهان کنونی تبدیل شده‌است، اما بسیار دشوار است کشوری بتواند به تنهایی مسائل مربوط به انرژی خود را حل کند.

بهره اول: گاز ایران برای جهان

ایران با دارا بودن ۸۱۲ تریلیون فوت مکعب، مجموعاً ۱۵ درصد ذخایر جهانی گاز را به خود اختصاص داده‌است (Energy Information Administration; 2000). از نظر سطح تولید، ایران هشتمین تولیدکننده گاز در جهان است. میزان گاز تولیدی ایران ۱/۹ میلیارد فوت مکعب است (Central Intelligence Agency;).

جدول شماره ۱: تولیدکنندگان عمده گاز جهان

تولید کننده	روسیه	آمریکا	انگلیس	هلند	الجزایر
میلیون مترمکعب	۵۹۰۹۸۵	۵۳۸۶۹۸	۹۵۶۱۴	۸۰۴۳۶	۷۲۳۱۷
درصد از کل جهان	۲۴/۸	۲۲/۶	۴/۰	۳/۴	۳/۰

ادامه جدول

اندونزی	ازبکستان	ایران	نروژ	بقیه جهان	جهان
۶۸۱۴۲	۵۲۱۵۰	۴۸۳۰۰	۴۷۵۹۸	۶۱۱۴۲۶	۲۳۷۸۵۵۵
۲/۶	۲/۲	۲/۰	۲/۰	۲۵/۷	۱۰۰/۰

منبع: (International Energy Agency 1999)

پس از سال ۱۹۹۰، ایران برنامه پیشرفته‌ای را برای بهره‌برداری از ذخایر گاز طبیعی خود آغاز نمود. از قرار معلوم، این برنامه قصد دارد تولید گاز ایران را تا سال ۲۰۱۰ به ۱۰ تریلیون فوت مکعب در سال برساند که اگر چنین اتفاقی رخ دهد، ایران به یکی از اصلی‌ترین صادرکنندگان گاز طبیعی در جهان مبدل خواهد شد (Energy Information Administration ; 2000).

طرحهای ایران برای صادرات گاز طبیعی در دو بخش طراحی شده‌است. از یک سو ایران پس از سال ۱۹۹۶ قراردادهایی را با کشورهای مختلف به ویژه کشورهای همسایه از طریق خط لوله امضا کرده‌است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: ترکیه، ارمنستان، و جمهوری قره‌باغ. از سوی دیگر ایران مقدار قابل توجهی از گاز خود را به صورت گاز مایع (LNG) از طریق تانکر به دیگر کشورها که فاصله زیادی با ایران دارند و یا یک مانع سیاسی، اقتصادی و یا فنی در انتقال گاز از طریق خط لوله به آنها وجود دارد، صادر می‌کند. کشورهای شرق دور از جمله ژاپن، چین و کره جنوبی، و نیز بعضی از کشورهای آفریقایی مشتری گاز مایع ایران می‌باشند (World Bank; 2000).

بهره دوم: مشکل انرژی در جنوب آسیا

یکی از مناطقی که می‌تواند بازار پرسودی برای گاز ایران باشد، منطقه جنوب آسیا است، جایی که هند و پاکستان مستقرند. منطقه جنوب آسیا منطقه‌ای است که ذخایر گاز طبیعی آن اندک و تقاضا برای انرژی بالاست. در سال ۲۰۰۰ تقاضا برای واردات گاز در جنوب آسیا ۸/۸ درصد بوده و انتظار می‌رود تا سال ۲۰۰۵ به ۲۸/۳ درصد و در سال ۲۰۱۰ به ۵۴/۹ درصد افزایش یابد (Maleki; <http://www...>).

در مجموع طی ده‌الی پانزده سال گذشته، تقاضای انرژی در جنوب آسیا ۶ تا ۷ درصد بوده است. تقاضای جاری برای انرژی در هند حدود ۳۱۰ میلیون تن نفت است و انتظار می‌رود در ده سال آینده دوبرابر شود. در حال حاضر هند واردکننده ۶۸ میلیون تن نفت است و احتمال می‌رود در ده سال آینده دو برابر شده و به ۱۵۴ میلیون تن برسد. نیاز انرژی پاکستان نیز حدود ۴۴ میلیون تن نفت در سال است و انتظار می‌رود در ده تا دوازده سال آینده دوبرابر شود. پاکستان حدود ۱۶ میلیون تن در سال نفت وارد می‌کند (Ibid).

در حال حاضر و براساس گزارش "گروه دیدبان هیدروکربن هند - ۲۰۵۰" که در ۲۵ فوریه ۲۰۰۰ منتشر شد، هند روزانه به ۱۵۱ میلیون متر مکعب گاز نیاز دارد. عرضه داخلی گاز در هند ۶۵ میلیون مترمکعب است. این فاصله باید از طریق واردکردن گاز از خارج پر شود (Ibid). تقاضای پاکستان نیز برای گاز طبیعی طی سالهای آینده به شدت افزایش خواهد یافت و تا سال ۲۰۰۶ به ۵۰ درصد خواهد رسید. در حال حاضر تولید ۰/۷ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی پاکستان، فقط پاسخ‌گوی ۳۹ درصد نیاز انرژی این کشور است (Azhar; 2000).

پاکستان فقط ۲۱/۶ تریلیون فوت مکعب ذخایر گاز طبیعی دارد و میزان تولید آن نیز ۰/۷ تریلیون فوت مکعب است. سطح تولید و مصرف دقیقاً با هم برابر است. همان‌گونه که گفته شد هند نیز وضعیت مشابهی دارد. تولید و مصرف هند در عدد ۷۶۱ میلیارد فوت مکعب با هم برابر است. حدود ۷۰ درصد ذخایر گاز طبیعی هند در ایالت گجرات و حوزه‌های بمبئی است. دولت هند سعی دارد منابع گاز بیشتری را کشف و به بهره‌برداری برساند؛ اما این منابع در مقابل نیازهای فزاینده هند به گاز طبیعی، ناچیز است. پاکستان نیز تلاش کرده است منابع گاز طبیعی خود را در ایالت سند مورد

بهره‌برداری قرار دهد؛ اما اسلام‌آباد با مشکل مقاومت مردم روستاهای این مناطق مواجه است. در مجموع باید گفت ۸ درصد انرژی مصرفی هند (Dawal; 2000) و ۲۷ درصد انرژی مصرفی پاکستان از گاز طبیعی است. این مصرف سیر صعودی دارد و منابع داخلی کفاف نیازهای دو کشور را نمی‌دهد و لذا آنها توجه خود را به خارج از جمله ایران معطوف کرده‌اند (Tongia; 1999).

جدول شماره ۲: ذخایر، تولید، و مصرف گاز طبیعی

کشور	ذخایر گاز طبیعی (فوت مکعب)	تولید گاز طبیعی (فوت مکعب)	مصرف گاز طبیعی (فوت مکعب)
هند	۲۲/۹ تریلیون	۷۶۱ میلیارد	۷۶۱ میلیارد
ایران	۸۱۲ تریلیون	۱/۹ میلیارد	۱/۸ میلیارد
پاکستان	۲۱۶ تریلیون	۰/۷ تریلیون	۰/۷ تریلیون

منبع: Natural Gas Statistics - Country Specific (CIA 2000)

بهره سوم: خط لوله گاز ایران به جنوب آسیا

پس از آن که ایران در سال ۱۹۸۸ ذخایر مهمی از گاز طبیعی را در حوزه‌های پارس جنوبی کشف کرد، تلاش گسترده‌ای را برای صدور گاز خود صورت داد. یکی از مناطقی که می‌توانست بازار مناسبی برای گاز ایران باشد، جنوب آسیا بود؛ جایی که مصرف انرژی بالا ولی ذخایر و تولید انرژی پایین است. در مورد این موضوع که جنوب آسیا منطقه‌ای نیازمند انرژی است و ایران هم منبع خوبی برای تأمین این انرژی است تردیدی وجود نداشت. مشکل از آن جا ناشی می‌شد که انرژی ایران چگونه به جنوب آسیا منتقل شود؟ در این باره چهار گزینه مطرح بود:

- از عمق دریا: خلیج فارس، دریای عمان، هند
- از آبهای سرزمینی (ساحل) پاکستان: خلیج فارس، سواحل پاکستان، هند
- از راه زمین: عسلویه، مولتان، دهلی‌نو

- حمل گاز مایع (LNG) از ایران به هند به وسیله تانکر

گزینه اول به لحاظ فنی شدنی نیست؛ زیرا برای تحقق آن باید ۳ هزار متر در عمق آب فرو رفت. این امر نیازمند تکنولوژی و سرمایه است. از نظر تکنولوژیکی گفته می‌شود در دریای سیاه چنین کاری صورت گرفته است که البته دقیقاً معلوم نیست که پروژه دریای سیاه بتواند در خلیج فارس و دریای عمان نیز جواب دهد. به‌ویژه این که پروژه انتقال خط لوله گاز عمان به هند پس از سه سال مطالعه و صرف هزینه‌ای بالغ بر ۲۰ میلیون دلار به دلیل مسائل فنی متوقف شد (Maleki; <http://www...>). علاوه بر این، گزینه انتقال خط لوله از عمق دریا به لحاظ مالی هزینه‌بردار است. گفته می‌شود هزینه این کار بالغ بر ۴/۴ میلیارد دلار است. از این میزان ۳/۶ میلیارد دلار صرف خط لوله و ۸۰۰ میلیون دلار نیز هزینه ایجاد فشار (کمپرسور) خواهد شد (Ibid).

گزینه دوم یعنی عبور خط لوله از آبهای ساحلی پاکستان به دلیل اختلافات موجود میان هند و پاکستان از امنیت کافی برخوردار نیست. علاوه بر این، هزینه این خط لوله ۴ میلیارد دلار است که در مقایسه با گزینه‌های دیگر، بسیار بالاست. شرکت گازپروم روسیه انجام این پروژه را با هزینه‌ای ۳/۵ میلیارد دلاری پیشنهاد داده است (Russia <http://www...> ... Gazprom).

گزینه سوم بهترین گزینه است؛ چراکه هند و پاکستان را توأمان دربرمی‌گیرد. طول این خط لوله ۳۰۰۰ کیلومتر، قطر آن ۴۸ اینچ، و هزینه آن نیز ۳ میلیارد دلار است که در مقایسه با سایر گزینه‌ها، هزینه کمتری است. طبق این گزینه، خط لوله گاز ایران از عسلویه به خوزدار^(۱) در پاکستان می‌رسد. از آن جا به دو شاخه تقسیم می‌شود که یکی به بندر کراچی و دیگری به شهر مولتان می‌رود. از مولتان خط لوله‌ای به طول ۱۰۰۰ کیلومتر، گاز ایران را به دهلی‌نو منتقل می‌کند (Maleki; Ibid). ایران انتظار دارد تا سال ۲۰۰۷ این پروژه تکمیل شود.

اولین پیشنهاد جدی برای صدور گاز ایران به هند (از راه زمین) را، مؤسسه انرژی آسیا در سال ۱۹۸۹ ارائه داد. این خط لوله با ظرفیت ۳۶ میلیارد مترمکعب در سال از

1- Khuzdar

بندرعباس به کلکته کشیده می‌شد. از میزان گاز موجود در این لوله ۱۰ درصد در استانهای ایران که خط لوله از آنها می‌گذشت، و ۲۰ درصد نیز در پاکستان مصرف می‌شد و بقیه به هند می‌رفت. در سال ۱۹۹۳ شرکت نفتی بروکن هیل (B.H.P) پیشنهاد احداث خط لوله صدور گاز ایران به سواحل غربی هند را مطرح کرد. پیشنهادهای دیگری نیز توسط کنسرسیوم شرکت شل، گاز بریتانیا، گاز فرانسه و پتروناس مالزی مطرح شد. هیچ‌یک از این پیشنهادها به دلایل سیاسی، فنی و اقتصادی از مرحله طرح فراتر نرفت (Ibid).

در حال حاضر، دهلی‌نو، بیشتر وقت خود را صرف گزینه چهارم کرده‌است. این کشور در حال احداث ۱۲ بندر در سواحل خود است که هدف آن دریافت گاز مایع است. هند امیدوار است سیاست دریافت گاز مایع را ادامه دهد تا این که تکنولوژی لازم برای احداث خط لوله از عمق دریا فراهم شود. سیاست ایران در احداث تأسیساتی در منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی انگیزه هند را بالا برده؛ چراکه کارکرد این تأسیسات، تبدیل بخشی از گاز حوزه پارس جنوبی به گاز مایع و صدور آن به دنیای خارج می‌باشد (Ibid).

نتیجه‌گیری

بدین ترتیب اگر بخواهیم جمع‌بندی‌ای از مطالب این فصل ارائه داده باشیم باید گفت انتقال خط لوله گاز ایران به هند می‌تواند مزایای زیادی از نظر اقتصادی برای سه کشور هند، پاکستان و ایران داشته باشد. این خط لوله، به هند و پاکستان کمک می‌کند تا به عرضه نامحدود گاز دسترسی داشته باشند. علاوه بر این به تعدد منابع انرژی آنها کمک کرده، رشد اقتصادی آنها را موجب می‌شود و نیز باعث به‌کارگیری تعداد قابل توجهی کارگر ماهر و نیمه‌ماهر هند و پاکستان می‌شود که در نتیجه بخشی از معضل اشتغال را برطرف می‌کند. پاکستان علاوه بر استفاده از خط لوله گاز برای تأمین انرژی مورد نیاز خود، سالانه بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ میلیون دلار حق ترانزیت دریافت می‌کند. به علاوه، به دلیل دریافت گاز ارزان، سالانه ۲۰۰ میلیون دلار سود عاید این کشور می‌شود. برای ایران نیز خط لوله گاز می‌تواند: منابع درآمدی‌اش را تنوع ببخشد؛ زمینه انجام مبادلات

بلندمدت را برای این کشور فراهم کند؛ از اتکای صرف بر درآمدهای نفتی بکاهد؛ و از منابع گازی خود به‌ویژه در حوزه‌هایی که با کشورهای دیگر مشترک است، استفاده لازم را به عمل آورد. همه این موارد یک تأثیر بسیار مهم دارد و آن، این که همکاری اقتصادی که نفع مشترک همه بازیگران دخیل را به دنبال دارد، می‌تواند زمینه‌ساز همکاریهای امنیتی و ثبات منطقه‌ای شود که در بخش بعدی به آن می‌پردازیم.

بخش سوم: ابعاد سیاسی - امنیتی خط لوله : خط لوله صلح

خط لوله گاز ایران به جنوب آسیا یکی از معدود خط لوله‌هایی است که عنوان "خط لوله صلح" به خود گرفته است. خط لوله دیگری که عنوان خط لوله صلح به خود گرفته، خط لوله‌ای است که قرار بود از مصر به اسرائیل و از آن جا به ترکیه منتقل شود. این خط لوله به دلیل بی‌تمایلی مصر بی‌نتیجه ماند. مصر ترجیح داد به جای خاک اسرائیل، گاز خود را به شکل مایع به ترکیه و اروپا صادر کند (Ibid).

بهره اول : خط لوله گاز ایران به جنوب آسیا : تشنج‌زدایی در سطح منطقه

وقتی واژه "خط لوله صلح" را به کار می‌بریم، معنای آن این است که مناطق جنگی و متشنجی وجود دارد که این خط لوله سعی دارد با عبور از آنها، فضای خصومت را به فضای دوستی مبدل سازد. از این منظر، خط لوله گاز ایران به پاکستان و هند، می‌تواند چهار تحول عمده را موجب شود :

- چرخش مهمی را در سیاستهای درون منطقه‌ای و بین‌منطقه‌ای کشورهای منطقه به وجود می‌آورد.
- پتانسیل‌های اقتصادی و دستاوردهای توسعه‌ای خط لوله، به ایران، هند و پاکستان امکان می‌دهد تا نقش و سیاستهای خود را در منازعات منطقه‌ای کشمیر، افغانستان و نیز دیگر مسائل مربوط به امنیت ملی خود مورد بازنگری قرار دهند.
- پتانسیل و دستاوردهای همکاری اقتصادی کشورهای منطقه، به تحول در گفت‌وگوهای سیاسی و اجتماعی بین کشورهای منطقه و شاید حتی به میانجیگری و حل منازعات منطقه‌ای منجر شود.

- چهره سیاستهای منطقه‌ای در جنوب آسیا را دگرگون می‌سازد. این چهار تحول، خود متأثر از این اصل مهم است که همکاری اقتصادی، قدرت به وجود آوردن و حتی دگرگون کردن گفتمانهای سیاسی و اجتماعی را دارد. از این منظر خط لوله گاز ایران به پاکستان و هند می‌تواند زمینه‌ساز حل و یا کاهش چهار منازعه منطقه‌ای باشد.

- بحران کشمیر بین هند و پاکستان ؛
- تضاد مسلمانان و هندوها در هند ؛
- تعارض شیعه و سنی در ایران و پاکستان (تا آن جایی که این تعارض متأثر از روابط ایران و پاکستان باشد) ؛
- اختلاف ایران و پاکستان در افغانستان.

الف) بحران کشمیر

بحران کشمیر قدمتی نیم‌قرنه دارد. در سال ۱۹۴۷ هنگامی که شبه‌قاره هند تجزیه شد و کشورهای هند و پاکستان پا به عرصه وجود گذاشتند، در مورد وضعیت کشمیر میان آنها اختلاف بروز کرد. پاکستان کشمیر را بدان علت که بخش اعظم جمعیت آن مسلمان است، متعلق به پاکستان دانست. هند نیز بدان علت که مهاراجه وقت کشمیر الحاق قلمرو خود را به خاک هند اعلام کرد، مدعی است این سرزمین بخش جدایی‌ناپذیر خاک هند است. به نظر می‌رسد دلایل سیاسی بر استدلالهای حقوقی و تاریخی ارجحیت دارند. پاکستان هویت دینی و ملی خود را در گروه الحاق کشمیر می‌داند. هند نیز تمامیت ارضی و یکپارچگی خود را در گرو عدم جدایی کشمیر می‌داند؛ زیرا در این کشور ایالت‌های مختلفی وجود دارند که تحت تأثیر ناسیونالیسم قومی و مذهبی خواستار جدایی از هند هستند (Energy Information Administration; 2000).

در هر حال آنچه مسلم است این که، اختلاف بر سر کشمیر تاکنون منجر به بروز دو جنگ در سالهای ۱۹۴۸ و ۱۹۶۵ بین هند و پاکستان شد. حتی جنگ سال ۱۹۷۱ که به جدایی بنگال شرقی (بنگلادش) از پاکستان انجامید، متأثر از بحران کشمیر بود. بحران

کشمیر در عین حال به عنوان ام‌المسائل اختلافات هند و پاکستان موجب شروع مسابقه تسلیحاتی سرسام‌آوری در سه شکل متعارف، شبه متعارف، و هسته‌ای میان دو کشور شده و هزینه‌های گزافی را بر آنها تحمیل کرده‌است.

ب) تعارض مسلمانان و هندوها در هند

یکی از جنبه‌های بسیار خطرناک بحران کشمیر، نگرانی‌ها و فاصله‌های روانی است که بین دو ملت هند و پاکستان و نیز نخبگان سیاسی آنها از یک سو و میان مسلمانان و هندوها در هند از سوی دیگر به وجود آورده‌است. تخریب مسجد بابری در آیودیا در سال ۱۹۹۲ توسط بنیادگرایان هندو که از حمایت سران حزب هندوئیسم بهاراتیاجاناتا نیز برخوردار بودند، نمونه‌ای از خصومت‌های عمیق میان مسلمانان و هندوهای هند است.

گفته می‌شود مسجد بابری در سال ۱۵۲۸ توسط اولین امپراتوری مغول در هند یعنی "بابر" بنا نهاده شد. رهبران احزاب سیاسی و بنیادگرایان هند و نیز پیروان آنها اعتقاد دارند که "رام"، خدای هندو، در محل مسجد بابری متولد شد. افزون بر این، آنها اعتقاد دارند مسلمانان زادگاه "رام" را تخریب، و به جای آن مسجد بابری را احداث کرده‌اند (Rose; 1999; 88-96). به تلافی این اقدام، هندوها نیز مسجد بابری را تخریب و به جای آن معبد رام را ساختند. این حادثه و حوادث مشابه آن، روابط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هند و پاکستان و نیز هندوها و مسلمانان هند را به شدت تحت تأثیر قرار داده‌است.

ج) تعارض شیعیان و اهل تسنن

اگرچه تعارض شیعه و سنی به گذشته‌های بسیار دور برمی‌گردد، اما در پاکستان دو عامل به این مهم دامن زد. از یک سو در سال ۱۹۷۹ ژنرال ضیاءالحق، حاکم وقت پاکستان برای مشروعیت بخشیدن به حکومت خود، به اسلامیزه کردن سیاست‌های پاکستان پرداخت و از سوی دیگر، با تهاجم ارتش سرخ شوروی به افغانستان در اواخر ۱۹۷۹، آمریکا، عربستان و پاکستان سعی کردند نوعی رادیکالیسم اسلامی (سنی‌گرایی متعصب) را علیه روسها به وجود آورند (Ludden; 1996; 1).

در این زمان بود که مدارس مذهبی در پاکستان رواج گسترده‌ای یافت و جوانان

مسلمان سنی از گوشه و کنار جهان به ویژه از کشورهای عرب وارد مدارس مذهبی پاکستان شدند. هدف این مدارس، تعلیم مذهبی جوانان برای جهاد در افغانستان بود. همه این تحولات باعث شد گروههای افراطی تندرو و فرقه‌گرا در پاکستان شکل گیرد (<http://www.news.bbc.co.uk...>).

وقوع انقلاب اسلامی در ایران به این موج، تحرک تازه‌ای بخشید؛ زیرا انقلاب اسلامی یک انقلاب شیعی بود که از سوی پیروان وهابیت، تقابل با اهل تسنن قلمداد می‌شد. شاید متأثر از همین پدیده بود که روابط ایران و عربستان سعودی در اوایل انقلاب، روابطی سرد بود. در هر حال، با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اقلیت شیعه در پاکستان و افغانستان جان تازه‌ای یافت (*Ibid*).

به همان شکل که شبه‌نظامیان پاکستانی پس از خروج ارتش سرخ از افغانستان، به میهن خود برگشتند تا جهاد دیگری را در کشمیر (و تا حدی علیه شیعه) آغاز کنند و به همین دلیل گروههای شبه‌نظامی همچون سپاه صحابه را شکل دادند. شیعیان نیز که از طرف گروههای فرقه‌گرا متهم به حمایت از ایران بودند، به تشکیل گروههای مسلحی همچون طریقت جعفری و سپاه محمد مبادرت ورزیدند (<http://www.dialognow.org...>). این تضادها بر روابط ایران و پاکستان به شدت سایه افکند و موجب ترور تعدادی از اتباع ایران در پاکستان شد.

د) اختلاف ایران و پاکستان در افغانستان

روابط ایران و پاکستان در سراسر دهه ۱۹۹۰، تحت تأثیر اختلاف آنها بر سر بحران افغانستان قرار داشت. اگرچه این دو کشور در دهه ۱۹۸۰ علیه دشمن مشترک یعنی کمونیسم متحد شده بودند، اما با فروپاشی کمونیسم، اختلافات سر برآورد و جبهه‌بندیهای تازه‌ای شکل گرفت. در دوره پس از سقوط حکومت کمونیستی در افغانستان، اگرچه نظام بین‌الملل یک متغیر تأثیرگذار بر تحولات افغانستان بود، اما به نظر می‌رسد متغیر منطقه‌ای در قالب رقابت ایران و پاکستان نقش برجسته‌تری داشت. ایران به دلایل قومی و مذهبی از تاجیک‌ها و شیعیان افغانستان حمایت کرد و پاکستان از پشتون‌ها

و جمعیت اهل سنت افغانستان. البته رفتار ایران در افغانستان تابعی از رفتارهای پاکستان بود؛ چرا که سیاست اصولی ایران بر وحدت و یکپارچگی اقوام در افغانستان استوار بود. جلوه‌های تعارض ایران و پاکستان در افغانستان را می‌توان در حمایت ایران از برهان‌الدین ربانی و حمایت پاکستان از گلبدین حکمتیار؛ حمایت ایران از ائتلاف شمال و حمایت پاکستان از طالبان مشاهده کرد. اوج این تعارض هنگامی بود که تعدادی از دیپلماتها و یک خبرنگار ایرانی در مزارشریف کشته شدند. اگرچه تحولات جدید در افغانستان تا حد زیادی از تعارضات ایران و پاکستان کاسته است، ولی به نظر می‌رسد نوعی رقابت پنهانی برای اعمال نفوذ در افغانستان بین تهران و اسلام‌آباد جریان دارد.

حال سؤال این است که انتقال خط لوله‌ گاز ایران به جنوب آسیا چگونه می‌تواند این اختلافات را تحت‌تأثیر قرار دهد و زمینه را برای حل آنها فراهم کند؟ اختلافاتی که شرح آن گذشت، به دو دسته قابل تقسیم هستند: اختلافات ایران و پاکستان و اختلافات پاکستان و هند. فرض بر این است (که البته چنین هم هست) که اختلاف، از تعارض منافع ناشی می‌شود. اگر تغییری وارد عمل شود که بتواند از تضاد منافع کاسته و حتی به ایجاد منافع مشترک کمک کند، این متغیر می‌تواند در کاهش و حتی حل اختلافات موجود نقش مؤثری ایفا کند. در این مورد خاص، ما خط لوله‌ گاز ایران را متغیری می‌دانیم که می‌تواند برای هند، پاکستان و ایران منافع مشترک ایجاد کند. پرویز مشرف، رئیس‌جمهوری پاکستان، پس از دیدار خود با آقای خاتمی، رئیس‌جمهوری ایران، در سپتامبر سال ۲۰۰۰ در نیویورک اظهار داشت: خط لوله‌ گاز ایران به پاکستان می‌تواند به اتخاذ استراتژی مشترکی بین ایران و پاکستان نسبت به منازعه‌ افغانستان منجر شود (Ibid). آقای خاتمی نیز تأکید کرد دو چیز در روابط ایران و پاکستان ضروری است؛ رفع سوء تفاهمات بین تهران و اسلام‌آباد درباره‌ بحران افغانستان و دیگری اتخاذ استراتژی مشترک برای حل بحران افغانستان (Time of India; 2000). اظهارات مشرف و خاتمی به‌طور کامل نشان می‌دهد که یکی از مستلزمات انتقال خط لوله‌ گاز ایران به پاکستان (در وهله اول) رفع بعضی از موارد اختلاف‌زاست. چنین نگرشی در مورد روابط هند و پاکستان نیز صادق است. اگر قرار باشد خط لوله‌ گاز ایران به هند انتقال یابد، دست‌کم باید نوعی تشنج‌زدایی میان دهلی‌نو و اسلام‌آباد حاصل شود. بارزترین وجه این تشنج‌زدایی،

اعتمادسازی میان دو کشور است. وقتی چنین شرایطی فراهم شود، امکان عملی شدن پروژه خط لوله افزایش می‌یابد. با عملی شدن پروژه خط لوله، اتفاقات مهمی در روابط ایران، پاکستان و هند رخ خواهد داد که یکی از مهم‌ترین آنها به وجود آمدن منافع مشترک است. هریک از سه کشور ناچارند برای استفاده از مزیت این خط لوله، رفتار محافظه‌کارانه‌ای درپیش گیرند و از حرکت به سمت تشنج بپرهیزند. علت این مهم آن است که خط لوله گاز ایران یکی از بنیادی‌ترین نیازهای این سه کشور یعنی رونق بخشیدن به چرخ اقتصاد آنها را تأمین می‌کند.

جدول شماره ۳: چهره اقتصاد ایران، هند، پاکستان

کشور	نرخ رشد اقتصادی (۱۹۹۹)	سرانه تولید ناخالص داخلی (۱۹۹۹)	نرخ اسمی تولید ناخالص داخلی (۱۹۹۹)	بدهی خارجی به میلیارد دلار	کمکهای اقتصادی دریافتی به میلیارد دلار (۱۹۹۹)	نرخ تورم (۱۹۹۹)
هند	۵/۵٪	۱/۸۰۰ دلار	۱/۸۰۵ میلیارد دلار	۹۸ (۱۹۹۹)	۲/۶ (۱۹۹۹)	۶/۷٪
ایران	۱٪	۵/۳۰۰ دلار	۳۴۷/۶ میلیارد دلار	۲۱/۹ (۱۹۹۶)	۱۱/۶ (۱۹۹۵)	۳۰٪
پاکستان	۳/۱٪	۲۰۰۰ دلار	۲۸۲ میلیارد دلار	۳۲ (۱۹۹۹)	۲ (۱۹۹۸)	۶٪

منبع: Economic Indicators (CIA 2000)

بهره دوم: افزایش اهمیت استراتژیک ایران و کاهش تهدیدها

انتقال خط لوله گاز ایران به جنوب آسیا، زمانی اهمیت خود را نشان می‌دهد که بدانیم این خط لوله با رقبای سختی به‌ویژه از جانب آسیای مرکزی مواجه است. یکی از مهم‌ترین خط لوله‌هایی که قرار است گاز آسیای مرکزی را به جنوب آسیا برساند، خط لوله‌ای است که از ترکمنستان شروع و از طریق افغانستان به پاکستان می‌رسد. دو کنسرسیوم با مسیرها و هزینه‌هایی متفاوت مسئولیت اجرای این پروژه را به عهده گرفته‌اند که البته بنا به دلایل مختلف از جمله دلایل اقتصادی و امنیتی این پروژه‌ها هنوز در مرحله طرح باقی مانده‌اند.

اولین گام در انتقال گاز ترکمنستان به افغانستان و پاکستان را شرکت یونیکال، دلتا اوپل، و ترکمن روسگاز برداشت. خط لوله پیشنهادی آنها ۱۵۰۰ کیلومتر و هزینه آن ۲/۵ میلیارد دلار بود. دومین گام را شرکت بدیداس - تپ برداشت. خط لوله پیشنهادی آنها ۱۲۰۰ کیلومتر طول و هزینه آن ۵/۲ میلیارد دلار بود (Time of India; 2000).

در اینجا قصد نداریم وارد جزئیات خط لوله انتقال گاز ترکمنستان به جنوب آسیا شویم. فقط باید این نکته را مورد تأکید قرار دهیم که این خط لوله با هر کیفیتی، رقیب ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خط لوله ایران به جنوب آسیا قلمداد می‌شود. اگر خط لوله گاز ترکمنستان به پاکستان تحقق یابد یک حوزه ژئوپلیتیک مهم یعنی جنوب آسیا و حتی آسیای مرکزی از تأثیرپذیری جمهوری اسلامی ایران خارج می‌شوند. به همین دلیل است که آمریکا هند را تشویق کرده‌است تا به جای ایران از ترکمنستان گاز خریداری کند (News and Trends : Middle East). بدین ترتیب به نظر می‌رسد مقامات ایران باید در روند احداث خط لوله گاز ایران به جنوب آسیا، تعجیل کنند تا با این کار، ضرورت احداث خط لوله گاز ترکمنستان به پاکستان را با تردید مواجه سازند.

نکته مهم این است که با چنین سیاستی، نه تنها دروازه‌های جنوب آسیا بر روی ایران باز و بر روی رقبا بسته خواهد شد، بلکه فرصتهای بسیار مهم و استراتژیکی نیز در آسیای مرکزی و حوزه خزر برای ایران فراهم می‌شود. به عنوان مثال پروژه‌های ذیل امکان تحقق بیشتری پیدا می‌کنند و ایران را به شاهره حیاتی انرژی مبدل می‌سازد:

۱- پروژه خط لوله گاز قزاقستان، ترکمنستان، ایران و خلیج فارس: این پروژه با مشارکت ایران، چین و ترکمنستان به طول ۲۴۰۰ کیلومتر و هزینه ۲/۵ میلیارد دلار در دست مطالعه است.

۲- پروژه خط لوله گاز ترکمنستان، ایران و ترکیه: این پروژه توسط شرکتهای رویال داچ شل، گاز فرانسه و اسنام پروگتی ترکمنستان به طول ۳۰۰۰ کیلومتر و هزینه ۲ میلیارد دلار در دست بررسی است (احمدرشید؛ ۱۳۷۹؛ ۳۷۸-۳۷۱).

درحالی که احداث خط لوله گاز ایران به هند و پاکستان، ضرورت احداث خط لوله از آسیای مرکزی به افغانستان و پاکستان را منتفی می‌کند و در حالی که احداث خط لوله گاز ایران به جنوب آسیا، امکان عملی شدن بعضی از پروژه‌های دیگر از آسیای مرکزی به

ایران را تقویت می‌کند، احداث این خط لوله ضرورت احداث بعضی از پروژه‌های حاشیه‌ای دیگر را نیز از بین می‌برد. یکی از این پروژه‌ها عبارت است از پروژه خط لوله گاز ترکمنستان، آذربایجان و ترکیه که این پروژه توسط شرکت انرون، وینگ مریل، بوتاس، گاماگوریس در دست مطالعه‌اند و قرار است از بستر دریای خزر و با هزینه‌ای حدود ۱/۶ میلیارد دلار عملیاتی شود (همان).

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که انجام یک عمل استراتژیک چه اندازه پیامدهای استراتژیک به همراه دارد. اگر سناریوهای فوق‌الذکر جنبه عملی به خود گیرد، ایران در گذرگاه تقاطع خط لوله‌های گاز متعدد قرار خواهد گرفت و بدین ترتیب سرنوشت سیاسی، امنیتی و اقتصادی بسیاری از حوزه‌های استراتژیک را با خود پیوند خواهد زد و بدون تردید این مهم، ضریب امنیتی جمهوری اسلامی ایران را در حد قابل توجهی بالا خواهد برد.

به این مثال توجه کنید. در علم مدیریت و سیاست‌گذاری، مبحثی به نام "تخصیص توجه" وجود دارد. هر اندازه تعداد بازیگران یک صحنه بیشتر باشد، هریک از بازیگران ناچار است توجهات خود را به نوعی به آنها اختصاص دهد. اگر فقط دو بازیگر داشته باشیم، این دو بازیگر ۱۰۰ درصد توجه خود را به یکدیگر معطوف خواهند کرد. اگر سه بازیگر داشته باشیم ۱۰۰ درصد توجه یک بازیگر تقسیم بر ۲ خواهد شد. یعنی بازیگر A ناچار است ۵۰ درصد توجه خود را به بازیگر B و ۵۰ درصد دیگر را به بازیگر C اختصاص دهد.

با توجه به توضیحاتی که دادیم، انتقال خط لوله‌های گازی که به نوعی از ایران خواهند گذشت، چندین کشور را به لحاظ سیاسی، اقتصادی و امنیتی با ایران درگیر خواهد کرد. هند، پاکستان، ترکمنستان، آذربایجان، ترکیه، اروپا، و بعضی دیگر از کشورهای آسیای مرکزی. تمام این واحدها سرنوشت خود را به سرنوشت امنیتی ایران پیوند زده‌اند و هرگونه تهدیدی علیه ایران به نوعی تهدید علیه آنها نیز خواهد بود. همین تکرر منافع و تهدید واحد علیه این منافع، قدرتهای خصم را به تأمل بیشتری در اعمال فشار بر ایران، وادار می‌کند. به عنوان مثال اگر ایالات متحده تا پیش از احداث خط لوله‌های گاز ایران به

دیگر نقاط جهان، می‌توانست ۱۰۰ درصد توجه خود را به ایران معطوف کند، با فرض احداث خط لوله‌ها، واشنگتن ناچار است ملاحظات سایر کشورهایی را که در پروژه خط لوله ذی‌نفع هستند، مدنظر قرار دهد. بارزترین نمونه اولیه این وضعیت آن است که ایالات متحده ناچار است بنابه ملاحظاتی که با هند دارد، قانون مجازات ایران و لیبی (۱۹۹۶) را نادیده بگیرد. علت این مهم آن است که گاز طبیعی یک سوخت تمیز محسوب می‌شود و طی سالهای اخیر چرخش مهمی از مصرف نفت به سوی گاز طبیعی ایجاد شده است. برخلاف زغال سنگ که دارای دی‌اکسید کربن بالاست، گاز طبیعی یک سوخت پاک است. دی‌اکسید کربن یکی از موارد مهم گرم شدن کره زمین است. ۷۰/۳ درصد سوخت هند را زغال سنگ تشکیل می‌دهد (World Bank 2000). وابستگی شدید به زغال سنگ و پیامدهای زیست محیطی آن، دولت هند را وادار کرده است در پی بهره‌برداری از گاز طبیعی برآید. از آن جا که دریافت گاز طبیعی از ایران نیازمند سرمایه‌گذاری بیش از ۴۰ میلیون دلار است، واشنگتن طبق توافق‌نامه زیست‌محیطی‌ای که با هند امضا کرده است، خرید گاز ایران توسط هند را (حتی اگر نیاز به سرمایه‌گذاری بیش از ۴۰ میلیون دلار داشته باشد) نادیده گرفته است (Energy Information Administration; 2000).

نتیجه‌گیری

- ۱- امروز مفهوم امنیت، متحول شده و پدیده‌های غیرنظامی زیادی را شامل می‌شود.
- ۲- متأثر از رقابت تسلیحاتی و منازعه دیرین بر سر کشمیر، شاخصهای توسعه انسانی در شبه قاره هند بسیار پایین آمده است.
- ۳- ایران یکی از منابع مهم تولید گاز در جهان است.
- ۴- جنوب آسیا یکی از مهم‌ترین بازارهای مصرف گاز طبیعی در جهان است.
- ۵- کشوری که به لحاظ توسعه اقتصادی عقب مانده باشد، وزنی در نظام بین‌الملل نخواهد داشت.
- ۶- گاز ایران ضمن این که یک منبع درآمدی مهم برای این کشور محسوب می‌شود، می‌تواند موتور محرکه چرخ اقتصاد جنوب آسیا باشد.
- ۷- احداث خط لوله گاز ایران به جنوب آسیا، نوعی منافع و سرنوشت مشترک را برای

- کشورهای ذی نفع رقم خواهد زد.
- ۸- منافع مشترک، رفتار کشورها را متعادل و متوازن خواهد کرد و آنها را به حسابگری و تعقل وادار می کند.
- ۹- همکاری، موجب کاهش تعارض می شود.
- ۱۰- کاهش تعارض زمینه را برای حل اختلافات دیرپا فراهم می کند.

جدول شماره ۴: شاخصهای بهداشتی جمعیت

کشور	نسبت مرگ و میرهای نارس در هر هزار نفر (۱۹۹۹)	نسبت زاد و ولد نارس در هر هزار نفر (۱۹۹۹)	نسبت کل باروری (۱۹۹۵-۲۰۰۰)	Contraceptive Prevalence	درصد کودکانی که توسط کادر بهداشتی ماهر متولد شده‌اند. ۱۹۹۵-۱۹۹۹	تعداد پزشک در هر ۱۰۰۰۰ نفر مردم ۱۹۹۰-۲۰۰۰	مبتلایان به مالاریا از هر ۱۰۰۰۰ نفر (۲۰۰۰)	مبتلایان به سل از هر ۱۰۰۰۰ نفر (۱۹۹۹)	نرخ مرگ و میر کودکان در هر ۱۰۰۰۰ نفر (۲۰۰۰)	نسبت مرگ و میر مادران در هر ۱۰۰۰۰ نفر (۱۹۹۹)	هزینه عمومی بهداشتی (GDP %) (۱۹۹۸)	هزینه خصوصی بهداشتی (GDP %) (۱۹۹۸)	سرانه هزینه بهداشتی به دلار آمریکا (۱۹۹۸)
افغانستان	۱۹/۴	۴۸/۹	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	۸۲۰	ندارد	ندارد	ندارد
بنگلادش	۴/۸	۱۹/۸	۳/۸	۵۴	۱۲	۲۰	۶۲	۵۴	۵۴	۳۵۰	۱/۷	۱/۹	۱۲
بوتان	۹/۰	۳۹/۹	۵/۵	ندارد	ندارد	۱۶	۵۷	۷۷	۷۷	۳۸۰	۳/۲	۳/۶	۳۶
هند	۸/۵	۲۵/۸	۳/۳	۴۸	۴۲	۴۸	۱۹۳	۶۹	۶۹	۵۴۰	ندارد	۴/۲	ندارد
ایران	۶/۳	۱۸/۷	۳/۲	۷۳	ندارد	۸۵	۲۷	۳۶	۳۶	۳۷	۱/۷	۲/۵	۱۲۸
مالدیو	۴	۲۰	۵/۸	ندارد	ندارد	۴۰	ندارد	۵۹	۵۹	۳۵۰	۳/۷	۴/۰	۱۵۰
نیپال	۱۰/۰	۳۳/۶	۴/۸	۲۸	۱۲	۴	۳۳	۷۲	۷۲	۵۴۰	۱/۳	۴/۲	۱۱
پاکستان	۹/۵	۳۲/۱	۵/۵	۲۴	۲۰	۵۷	۵۸	۸۵	۸۵	ندارد	۰/۷ ^b	۳/۱	۱۸
سری لانکا	۵/۷	۱۷/۳	۲/۱	ندارد	ندارد	۳۶	۱۱۱۱	۱۷	۱۷	۶۰	۱/۷ ^b	۱/۸	۲۹ ^b

منبع: (UNDP 2000)

جدول شماره ۵: در آمد، فقر و نابرابری

شاخص	افغانستان	بنگلادش	بوتان	هند	ایران	مالدیو	نپال	پاکستان	سریلانکا
GDP به میلیارد دلار آمریکا	ندارد	۴۷/۱	۰/۵	۴۵۷	۱۰۴/۹	۰/۶	۵/۵	۶۱/۱	۱۶/۳
درصد سرانه GDP در سال ۲۰۰۰	ندارد	۱/۶۰۲	۱/۴۱۲	۲/۳۵۸	۵/۸۸۴	۴/۴۸۵	۱/۳۲۷	۱/۹۲۸	۳/۵۳۰
درصد جمعیتی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند.	ندارد	۲۹/۱	ندارد	۴۴/۲	ندارد	ندارد	۳۷/۷	۳۱	۶/۶
Gini Index	ندارد	۳۳/۶	ندارد	۳۷/۸	ندارد	۳۶/۷	ندارد	۳۱/۲	۳۴/۴

منبع: (NDP 2000)

جدول شماره ۶: هزینه نظامی

شاخص	سریلانکا	پاکستان	نیپال	مالدیو	ایران	هند	بوتان	بنگلادش	افغانستان
هزینه دفاعی (به میلیون دلار آمریکا، به قیمت سال ۱۹۹۳)	۲۱۴	۲/۰۸۸	۲۲	ندارد	ندارد	۷/۲۰۷	ندارد	۳۰۸	ندارد
۱۹۹۵	۵۷۰	۲/۸۲۰	۵۰	ندارد	ندارد	۹/۵۳۰	ندارد	۵۰۰	ندارد
۱۹۹۹	۷/۲	۲/۲	۶/۰	ندارد	ندارد	۲/۰	ندارد	۳/۵	ندارد
درصد افزایش هزینه دفاعی سالانه (۱۹۸۵-۱۹۹۹)	۴/۵	۴/۵	۰/۹	ندارد	۳/۸	۲/۴	ندارد	۱/۳	ندارد
هزینه نظامی (درصد تولید ناخالص داخلی) ۲۰۰۰	۱/۷	۳۰/۶	۶/۷	ندارد	ندارد	۱۹/۸	ندارد	۹/۴	ندارد
۱۹۸۰	۳۰/۳	۲۱/۰	۲/۱	ندارد	ندارد	۹/۵	ندارد	۳/۹	ندارد
۱۹۹۰	۳/۴	۲/۷	۳/۲	۶/۴	۴/۰	۳/۲	۴/۱	۲/۲	ندارد
هزینه عمومی آموزش و پرورش (درصد تولید ناخالص ملی) ۱۹۹۵-۱۹۹۷	۱/۷	۰/۷	۱/۳	۳/۷	۱/۷	ندارد	۳/۲	۱/۷	ندارد
۱۹۹۸	۱۷	۳۹۳	۶۷	ندارد	ندارد	۶۸	ندارد	ندارد	ندارد
هزینه دفاعی به نسبت هزینه بهداشتی و آموزش و پرورش ۱۹۶۰	۱۰۰	۱۸۱	۲۲	ندارد	ندارد	۵۷	ندارد	۴۶	ندارد
۱۹۹۵									

منبع، ردیفهای ۱ و ۲ و ۴: (MHHDC; 2002)

منبع، ردیفهای ۳ و ۵ و ۶: (UNDP; 2001)

منبع، ردیف ۷: (MHHDC; 2001)

یکی از مسیرهای زمینی انتقال خط لوله‌گاز ایران به هند

طول خط لوله : ۲۷۷۵ کیلومتر
طول خط لوله در ایران : ۱۱۱۵ کیلومتر
طول خط لوله در پاکستان : ۷۶۰ کیلومتر
طول خط لوله در هند : ۹۰۰ کیلومتر

- هزینه خط لوله: ۴/۱۶ میلیارد دلار آمریکا
- هزینه خط لوله در ایران: ۱/۸۶ میلیارد دلار آمریکا
- هزینه خط لوله در پاکستان: ۱/۲۰ میلیارد دلار آمریکا
- هزینه خط لوله در هند: ۱/۱۰ میلیارد دلار آمریکا

منابع فارسی

- ۱- رشید، احمد (۱۳۷۹)؛ *طالبان، اسلام، نفت و بازی بزرگ جدید*؛ ترجمه اسدالله شفاپی و صادق باقری؛ نشر دانش هستی.
- ۲- مک‌کین لای، اردی و لیتل، آر. (۱۳۸۰)؛ *امنیت جهانی؛ رویکردها و نظریه‌ها*؛ ترجمه اصغر افتخاری، تهران: انتشارات پژوهشکده راهبردی.

English Reference

- 3- Azhar, Saeed (Version Current at 11 September 2000), "Pakistan Keen on Gas Pipeline to India", **The Times of India** .
- 4- Buzan, Barry (1983); "People, States and Fear : The National Security Problem in International Relations", Harvester, Wheatsheaf.
- 5- "Central Intelligence Agency". Iran (Version Current at 11 Sep 2000).
- 6- Dawal, Shebonti Ray (Version Current at 21 September 2000), "The Current Oil Crisis : Implications for India", **IDS**.
- 7- "Energy Information Administration". India (Version Current at February 2000).
- 8- "Energy Information Administration". Iran (Version Current at February 2000).
- 9- <http://www.dialognow.org/story/2002/12/23/164730/39>.
- 10- <http://www.news.bbc.co.uk/1/hi/world/South-Asia/1880912.stm>.
- 11- Iran - India Pipeline Issue Challenge to bush, Alexander's Gas and Oil Connection, News and Trends (Thursday, June 27, 2000), **Middle East**, Vol.7, Issue // 13.
- 12- "Iran Gas Pipeline - Valve World Web" (<http://www.valve-worldnet/articles/Iran-gaspipe.asp>).

- 13- Kolodziej, Edward A. (April 1992); "What is Security and Security Studies?", *Arms Control*, 13 (1).
- 14- Ludden, David (1996); "Introduction Ayodhya : A Windo on the World", *Making India Hindu*, Oxford : Oxford University Press.
- 15- Maleki, Abbas; "India Energy Security : The Oil and Gas Dimensions" ([http://www. Caspianstudies.com/Article/maleki-dehli.htm](http://www.Caspianstudies.com/Article/maleki-dehli.htm))
- 16- Musharf to Permit Iran - India Gas Pipeline Through Pakistan", (10 September 2000), *Time of India*, (India).
- 17- Rahul and V.S. Arunachalam Tongia (May 1999), "Natural Gas Imports by South Asia : Pipelines of Pipedreams?", *Economic and Political Weekly*
- 18- Rose, Alexander (Winter 1999/2000); "Paradise Lost : The Ordeal of Kashmir", *The National Interest*, Number 58.
- 19- "Russia Gazprom Plans \$3.5b Iran - India Gas Pipeline - Report", ([http://www. iranexpert.com/2002.gazprompipeline](http://www.iranexpert.com/2002.gazprompipeline) 13 November.htm.
- 20- Scruto, Roger (1982), *A Dictionary of Political Thought*, MacMillan, Reference Books, London.
- 21- UNESCO Courier, September, 1994, Vol.47.
- 22- World Bank. "Natural Gas Trade in Asia and the Middle East", (Version Current at 1 November 2000), *IEN Occasional Paper* No.8.